

دولت باید زمینه‌ای را فراهم کند تا در آن جمهوریت تحقق یابد. این زمینه، عدالت اجتماعی است. اگر دولت سیزدهم بخواهد توفیق یابد و بتواند جمهور را با عدالت اجتماعی هماهنگ کند، باید بتواند این را به مردم نشان بدهد و مردم به او اعتماد کنند که تمام سیاست‌ها، ساختارها، کارکردها و هر کاری که انجام می‌دهد، بازنمایی از عدالت اجتماعی است.

کالای درجه یک باشد درحالی که در بعضی از استان‌ها «رفاه» و در بعضی دیگر «فرهنگ». در اینجا سیاست‌های دولت باید منطقه‌ای باشد؛ یعنی برای استان نخست رفع نیازهای امنیتی اولویت دارد، برای استان دوم سیاست‌های رفاهی و برای استان سوم، تصمیمات فرهنگی. نمی‌توان به بهانه نیازهای استان نخست از نیازهای رفاهی و فرهنگی دو استان دیگر صرف نظر کرد. با توجه به این شش نکته آورده‌ای که دیدگاه متعالیه برای دولت دارد، این است که هر سیاست و تصمیمی که می‌خواهد بگیرد باید متناسب با فطرت باشد؛ یعنی حتماً، بدان صورت که قبلاً توضیح داده شد، پیوست توجیهی داشته باشد.

آیا از سخنان شما این‌گونه برمی‌آید که عدالت می‌تواند ساختِ فرهنگی جمهوریت باشد؟

عرض کردم که عدالت اجتماعی باید فضایی باشد که در آن امکان تحقق جمهوریت مهیا شود. ببینید ما در کره زمین انواع و اقسام زندگی‌های انسانی و حیوانی و نباتی را داریم، اما چه چیزی باعث شده است که این انواع و اقسام، با آن کثرتش وجود داشته باشد؟ جواب این است که آن زیست‌بوم خاص کره زمین، شرایط امکان‌رشد انواع مختلف موجودات را فراهم کرده است. من فکر می‌کنم در مورد عدالت اجتماعی و جمهوریت هم وضع همین‌طور است؛ یعنی دولت باید زمینه‌ای را فراهم کند تا در آن جمهوریت تحقق یابد. این زمینه، عدالت اجتماعی است. اگر دولت سیزدهم بخواهد توفیق یابد و بتواند جمهور را با عدالت اجتماعی هماهنگ کند، باید بتواند این را به مردم نشان بدهد و مردم به او اعتماد کنند که تمام سیاست‌ها، ساختارها، کارکردها و کلاً هر کاری که انجام می‌دهد، بازنمایی از عدالت اجتماعی است. چنان‌که پیش‌تر گفتم بازنمایی از عدالت اجتماعی در صورتی برای مردم به یک باور مقبول تبدیل می‌شود که تصمیمات دولت با پیوست عدالتی به مردم عرضه شود.

بحث مطابقت با فطرت را مطرح کردید. بحث منافع افراد در این میان چه می‌شود؟

اتفاقاً یکی از کارکردهای دین این است که بحث منافع را پیش می‌کشد. نمی‌گویند دنبال منافعت نروید؛ چون منافعت طلبی فطری است. اما دین جهت‌گیری این نفع‌طلبی را براساس جهان‌شناسی و اخلاقیات و فطرت آدمی اصلاح می‌کند.

یعنی این منفعت‌طلبی‌ها را تعدیل می‌کند؟

نه، تشویق می‌کند. اما به چه شکلی تشویق می‌کند؟ دین می‌گوید همه سودهای تو سود مادی نیست. زندگی تو تنها همین زندگی مادی نیست (این همان شاخص